

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۵ جون ۲۰۱۹

چهل سال دروغ، سانسور و سرکوب، شکنجه و اعدام، فقر و جنگ، ارمغان حکومت اسلامی به مردم ایران!

در حالی که در دو هفته گذشته، ترافیک دیپلماسی مخفی و علنی با هدف میانجی‌گری بین امریکا و ایران به شدت سنگین شده است؛ حکومت اسلامی، هم‌زمان با ورود نخست وزیر جاپان به ایران، چهار زندانی را اعدام کرده؛ یک زندانی سیاسی جوان را به طرز هولناکی با ضربات ۲۰ چاقو در زندان کشته‌اند و صبح پنج‌شنبه حمله به دو کشتی نفتکش در دریای عمان، توجه افکار عمومی جهانی را به خود جلب کرد.

در حالی که حکومت اسلامی ادعا می‌کند که ملوانان این دو کشتی را نجات داده است ستاد فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام)، ویدیویی را منتشر کرده و می‌گوید این ویدیو یک قایق گشتی ایرانی را نشان می‌دهد که تلاش می‌کند مینی عمل نکرده را از بدنه نفتکش کوکوکا جدا کند. این نفتکش پیش‌تر در دریای عمان ابتدا منفجر و بعد دچار آتش‌سوزی شد. امریکا ایران را عامل این انفجار خوانده و ایران اتهامات را رد کرده است.

اتهام ایران در تحویل موشک و تسلیحات دیگر به یمن با حمله به دو نفتکش در دریای عمان هم‌زمان شده است. وزیر اطلاعات عربستان نیز ایران را متهم کرده که از طریق نفوذ و استفاده از خاک یمن، «اهداف خرابکارانه» خود را دنبال می‌کند.



در پی «حمله» به دو نفتکش در دریای عمان، مقام‌های حکومت اسلامی این سانحه را «مشکوک» خوانده‌اند. دبیرکل سازمان ملل، اتحادیه اروپا و چندین کشور نسبت به افزایش تنش در منطقه خلیج فارس هشدار دادند. آنتونیو گوترش گفته است جهان اجازه رویارویی در دریای عمان را نمی‌دهد.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، روز پنج‌شنبه ۲۳ خرداد در دیدار با شینزو آبه، نخست‌وزیر جاپان، نه تنها مذاکره که پاسخ به پیام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا را هم رد کرد. او گفت امریکا توان براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، ایران بدون امریکا و با وجود تحریم‌ها، پیشرفت خواهد کرد، اگر بخواهد بمب اتم بسازد، امریکا کاری نمی‌تواند بکند.

شینزو آبه نخست‌وزیر جاپان، روز پنج‌شنبه ۱۳ ژوئن با علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ایران دیدار و گفت‌وگو کرد. نخست‌وزیر جاپان پس از ۴۱ سال برای اولین بار به ایران سفر می‌کند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، خامنه‌ای در دیدار با نخست‌وزیر جاپان گفت: «ترامپ را شایسته مبادله پیام نمی‌دانم.» خامنه‌ای، بار دیگر تأکید کرده که ایران با امریکا مذاکره نخواهد کرد. او همچنین گفت: «امریکا زیر یک توافق قطعی زد کدام عاقلی دوباره در همان موضوع با او مذاکره می‌کند؟»

«ما در حسن نیت و جدی بودن شما تردیدی نداریم اما در خصوص آنچه از رئیس‌جمهوری امریکا نقل کردید، من شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داد.» خامنه‌ای خطاب به آبه گفت: «ما این حرف را اصلاً باور نمی‌کنیم زیرا مذاکرات صادقانه از جانب شخصی همچون ترامپ، صادر نمی‌شود. صداقت در میان مقامات امریکائی بسیار کمیاب است.»

خامنه‌ای با اشاره به سخنان نخست‌وزیر جاپان مبنی بر این‌که ترامپ گفته «مذاکره با امریکا موجب پیشرفت ایران خواهد شد»، تأکید کرد: «ما به لطف خداوند، بدون مذاکره با امریکا و با وجود تحریم هم به پیشرفت خواهیم رسید.»

آبه روز چهارشنبه با یک هیئت بلندپایه وارد تهران شد پس از دیدار با روحانی، به دیدار خامنه‌ای رفت. در چنین روندی، سخن‌گوی دولت جاپان بامداد روز پنج‌شنبه در مصاحبه‌ای اظهار داشت، سفر آبه به تهران با هدف کمک به کاهش تنش در خاورمیانه صورت گرفته است و این به معنای ایفای نقش میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن نیست.

به‌نظر می‌رسد که نفی وساطت جاپان از سوی یوشیمی سگا، وزیر کابینه و سخن‌گوی دولت جاپان در مصاحبه با روزنامه‌نگاران، بیش‌تر با هدف کاهش انتظارات بیش‌تر از نتایج این سفر بوده است. مقامات جاپان می‌گویند چشم انداز مأموریت آبه هنوز مبهم به‌نظر می‌رسد.

یک روز پس از سخنان علی خامنه‌ای، در دیدار با شینزو آبه، نخست‌وزیر جاپان، که تأکید کرده بود هیچ پیامی برای رئیس‌جمهور امریکا ندارد، امامان جمعه شهرهای مختلف ایران امروز ۲۴ خرداد، در خطبه‌های نماز جمعه خود، یک صدا از اظهارات رهبرشان به‌شدت «تعریف و تمجید» کردند.

احمد خاتمی، امام جمعه تهران، سخنان خامنه‌ای در آن دیدار را «اظهارات یک رهبر خردورز، ظریف، زیرک و هوشیار» توصیف کرد و گفت: همان‌طور که رهبر در این دیدار گفت «با مذاکره هیچ مشکلی حل نخواهد شد و ملت آزاد زیر بار فشار مذاکره نخواهد رفت.»

احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، با رد این «مذاکره‌ها و معامله‌ها که الان ساز می‌کنند» گفت: «مقاومت کنید، فرشته‌ها می‌رسند!»

او با اشاره به آیه ۱۵۲ سوره مبارکه آل عمران در این زمینه با محوریت جنگ احد خاطرنشان کرد: زمانی که در جنگ بدر مسلمانان پیروز شدند برایشان این مسأله شگفت‌انگیز بود که ۳۱۳ نفر بدون تجهیزات بر ۱۸۰۰ نفر پیروز شدند و پیامبر اعلام کرد این پیروزی مربوط به شما نیست بلکه خداوند متعال شما را با ۳۰۰۰ فرشته کمک کرد و ۳۰۰۰ فرشته به کمک شما آمدند که پیروز شدید.

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی افزود: پس از این فرمایش پیامبر، آیه سوره آل عمران بر پیامبر نازل شد که در آن عنوان شد ای پیامبر تو به مومنان می‌گویی آیا بس نیست که خداوند ۳۰۰۰ فرشته را به کمک شما فرستاد؟ سپس خداوند متعال می‌فرماید به اینها می‌گویی با ۳۰۰ فرشته کمک کرد؟ اگر این مومنان مقاومت کنند و با تقوا باشند و دشمن هم تجهیزات بیشتری داشته باشد ذات مقدس پروردگار، با ۵۰۰۰ فرشته علامت‌دار مخصوص آن‌ها را یاری خواهد کرد و این وعده‌ای بود که خداوند بعد از جنگ بدر به مسلمانان داد.

نماینده خامنه‌ای در استان خراسان رضوی خواست ایران پس از مهلت دوماه به اروپا از برجام خارج شود. او گفت: «شورای عالی امنیت ملی مهلت دوماه داد که یا باید مشکلات اقتصادی حل شود یا به برنامه هسته‌ای برمی‌گردیم و این اروپا و امریکا را بیچاره کرده... و برای همین دائم میانجی می‌فرستند... اگر خدای نکرده کسی در مقابل این جریان بایستد و بخواهد برجام را بعد از این دو ماه ادامه داد وثوق الدوله این زمان است و در تاریخ اسمش به‌نام جاسوس انگلیس ثبت خواهد شد.»

احمد علم‌الهدی در خطبه‌های نماز جمعه امروز در مشهد، همچنین بار دیگر درباره مذاکره با غرب هشدار داد. او مذاکره را «راه میان‌بر امریکا و اروپا برای سلطه» دانست و رشد اقتصادی ایران را رشد «حلقه مقاومت در منطقه مقابل اسرائیل» و «غلبه یمن بر آل سعود» برشمرد.

حکومت اسلامی ایران، روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، در سال‌گرد خروج امریکا از توافق هسته‌ای، اعلام کرد که اجرای برخی از تعهدات خود در برجام را به حالت تعلیق در می‌آورد.

بنا بر اعلام حسن روحانی ایران از روز ۱۸ اردیبهشت خود را ملزم به رعایت محدودیت‌های ناظر بر میزان نگهداری ذخائر اورانیوم غنی‌شده و ذخائر آب سنگین نمی‌بیند.

شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی هم در بیانیه خود به کشورهای باقی مانده در توافق هسته‌ای، مهلتی ۶۰ روزه برای عملیاتی کردن تعهدات خود به‌ویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی داده است.

اما سه کشور آلمان، بریتانیا و فرانسه به‌همراه فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا ضرب‌الاجل ۶۰ روزه حکومت اسلامی ایران برای فروش نفت و امورات بانکی را رد کردند.

قربانعلی دری نجف‌آبادی، امام جمعه اراک، گفت: طبق سخنان رهبر «هیچ اعتمادی به امریکا نداریم» و «می‌ایستیم، می‌جنگیم و با اتکا به خداوند کشور را می‌سازیم.»

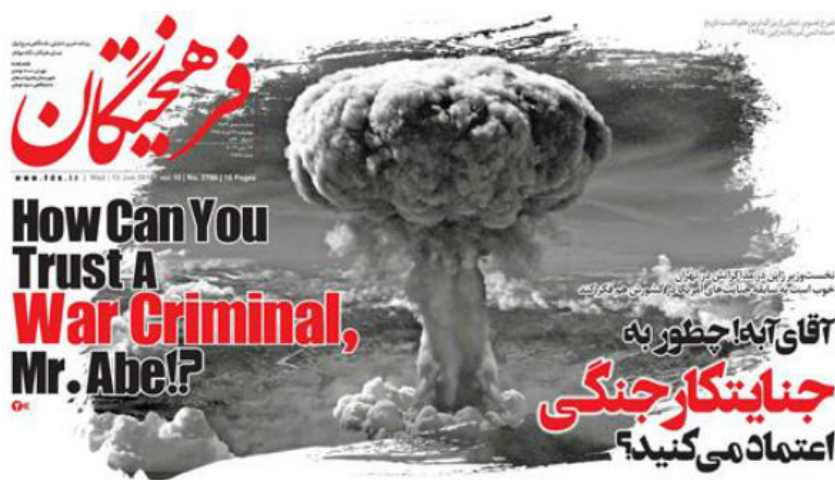
غلامعلی نعیم‌آبادی، امام جمعه بندرعباس، نیز با تمجید از خامنه‌ای گفت: «امریکائی‌ها به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند و با پیمان‌شکن سر میز مذاکره نخواهیم نشست.»

در واقع امام جمعه‌ها، طوطی‌های رهبر هستند که هر چی او بگوید آن‌ها از بلندگوی نماز جمعه‌ها تکرار می‌کنند. امامان جمعه در ایران از سوی خامنه‌ای اسلامی تعیین می‌شوند و محورهای سخنان آن‌ها را نیز نهادهای «شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه» و «ستاد برگزاری نماز جمعه» تهیه و ابلاغ می‌شوند.

حسن عابدینی، کارشناس و تحلیل‌گر مسائل سیاسی صداوسیما، خامنه‌ای، شب پنجشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۸ - ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹، درباره سفر شینزو آبه نخست وزیر جاپان به ایران، گفت: «نخست وزیر جاپان که پس از ۱۸ روز جنجال رسانه‌ای، پیام‌آور ترمپ بود با ناکامی به توکیو برگشت.»

پیش‌تر نیز صداوسیما حکومت اسلامی دوشنبه شب در پی مصاحبه وزیر خارجه امریکا، در گزارشی گفت: برآستی چه شده است که امریکائی‌ها پس از سخنان تهدیدآمیز هفته گذشته، اکنون به یکباره فرمان را به سمت درخواست مذاکره چرخانده‌اند؟ آیا امریکائی‌ها واقعا تغییر سیاست داده‌اند؟ و آیا امریکائی‌ها عقب‌نشینی کرده‌اند؟

صحبت‌های وزیر امور خارجه امريکا نشان می‌دهد، امريکائی‌ها در حال تله‌گذاری سیاسی و عملیات فریب هستند. وزیر امور خارجه امريکا گفته که ايران بايد یک کشور عادی شود. کشور عادی شدن ايران يعنی همان ۱۲ شرطی که قبلاً اعلام شده. يعنی ايران از تمام دستاوردها و آرمان‌های انقلاب دست بکشد و تسليم همه خواسته‌های امريکا شود. اين سؤال نیز مطرح است که امريکائی‌ها با بيان رسانه‌ای اين مسايل به دنبال چه هستند؟ واقعيت اين است که آن‌ها اکنون تلاش دارند با راهبرد فشار اقتصادی و تاکتيک پيشنهاده مذاکره، خود را مدافع مذاکره و گفتگو، و جمهوری اسلامی ايران را مخالف مذاکره نشان دهد و همزمان با تبليغات هدفمند و فریب افکار عمومی، مسؤولان نظام را تحت فشار قرار دهند تا به پای ميز مذاکره باج‌خواهانه بيايند و تسليم خواسته‌های امريکا شوند. روزنامه فرهیختگان در شماره چهارشنبه ۲۲ خرداد خود با کنایه از بمباران اتمی هیروشيما و ناکازاکی در جنگ جهانی دوم تصویری از انفجار یک بمب اتم منفجر کرد و تیتر زد: آقای آبه! چه‌طور به یک جنایت‌کار جنگی اعتماد می‌کنید؟



این تصویر در رسانه‌های اصول‌گرا و رسانه‌های نزدیک به سپاه به طور زنجیره‌ای باز نشر شد. فرهیختگان وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی است که ریاست آن را علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل رهبر حکومت اسلامی به عهده دارد. اردیبهشت امسال نیز چهار کشتی تجاری، از جمله یک نفتکش عربستان و یک کشتی باری نروژ در نزدیکی آب‌های امارات مورد حمله قرار گرفتند و آن زمان نیز قیمت نفت برای چند روز حدود پنج درصد اوج گرفت، اما دوباره فروکش کرد. عربستان، امارات و امريکا انگشت اتهام را به‌سوی ايران نشانه گرفتند، اما حکومت اسلامی دست داشتن در هر دو حمله را رد کرده است. مقامات حکومت اسلامی به دفعات تهدید کرده‌اند که در صورت قطع فروش نفت، تنگه هرمز را خواهند بست. حدود یک پنجم نفت مصرفی جهان از این تنگه انجام می‌شود. حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ايران نیز گفته بود «اگر ايران نتواند نفت بفروشد، دیگران هم نخواهند توانست.» تحریم نفتی ايران توسط امريکا، به کاهش بسیار چشمگیر صادرات نفت منجر شده است تا جایی که بارگیری و صادرات روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت تا یک‌سال گذشته، اکنون به نیم میلیون بشکه کاهش یافته است.

امریکا با عدم تمدید معافیت‌هایی که برای هشت کشور خریدار نفت ایران صادر کرده بود، ضربه کاری دیگری به اقتصاد ایران زده است.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در تازه‌ترین گزارش خود می‌گوید تولید روزانه نفت ایران در ماه مه حدود ۲۲۷ هزار بشکه کاهش یافته و به دو میلیون و ۳۷۰ هزار بشکه رسیده است.

تولید نفت ایران پیش از آغاز دوره تازه از تحریم‌های امریکا روزانه بالای ۳/۸ میلیون بشکه بود.

امریکا در آبان‌ماه سال گذشته صادرات نفت ایران را تحریم کرد و تنها به هشت کشور اجازه داد واردات از ایران را به شکل محدود ادامه دهند، اما در اردیبهشت امسال، دوم ماه مه، کلاً صادرات نفت ایران را تحریم کرد.

بر اساس داده‌های شرکت ردیابی نفتکش‌ها، کپلر، ایران در ماه گذشته روزانه ۸۷۰ هزار بشکه نفت به کشتی‌ها بار کرده است، اما دقیقاً معلوم نیست چه میزان از این نفت به فروش رفته است.

به هر تقدیر اطلاعات ماهواره‌ای نشان می‌دهد که ۹۰ درصد نفت بارگیری شده در همان ماه، در نفتکش‌ها ذخیره شده‌اند.

آژانس بین‌المللی انرژی نیز در تازه‌ترین گزارش خود که روز جمعه ۱۴ ژوئن - ۲۴ خردادماه، منتشر شد، می‌گوید صادرات نفت ایران در ماه مه با افتی ۴۸۰ هزار بشکه‌ای نسبت به آوریل، به حدود ۸۱۰ هزار بشکه رسیده، اما دقیقاً معلوم نیست این محموله‌ها به کدام مقصد رفته‌اند.

این گزارش تولید نفت ایران در ماه مه را نیز ۲/۴ میلیون بشکه در روز ارزیابی کرده است. اخیراً خبرگزاری رویترز نیز گزارش کرد که ایران در ماه مه روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت صادر کرده است که ۲۲۵ هزار بشکه آن راهی چین شده، اما سه چهارم این محموله‌ها در واقع نفتی بوده که چین در ماه آوریل از ایران خریده بوده و در ماه مه تحویل گرفته است.

کپلر نیز می‌نویسد ایران ماه گذشته ۲۰۰ هزار بشکه نفت به چین، ۱۳۰ هزار بشکه به ترکیه و ۱۳۵ هزار بشکه به هند تحویل داده است. دقیقاً معلوم نیست چه میزان از این نفت، محموله‌هایی بوده که در ماه آوریل خریداری شده است. ترکیه اعلام کرده است که خرید نفت از ایران را متوقف کرده و بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت ایران نیز هفته گذشته گفت چین دیگر نفتی از ایران نمی‌خرد.

با این حال ایران می‌گوید مصمم است نفت خود را به‌صورت پنهانی در بازار سیاه بفروشد.

اوپک می‌نویسد تولید نفت این سازمان ماه گذشته به ۲۹ میلیون و ۸۷۶ هزار بشکه رسیده که نسبت به ماه آوریل ۲۳۶ هزار بشکه کاهش را نشان می‌دهد. غیر از ایران، تولید ونزوئلا، نیجریه و عربستان نیز کاهش یافته، اما تولید عراق، آنگولا و کویت افزایش را نشان می‌دهد.

با وجود افت تولید اوپک، قیمت نفت نه تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش نیز داشته است. قیمت نفت سبد اوپک در ماه مه نسبت به آوریل حدود یک درصد کاهش داشته و به زیر ۷۰ دلار رسیده است. قیمت کنونی سبد نفتی اوپک حدود ۶۰ دلار است.

این گزارش می‌افزاید نیاز جهانی به نفت اوپک در سال گذشته ۱/۷ میلیون بشکه نسبت به سال ۲۰۱۷ کاهش داشت و در سال جاری نیز دوباره ۱/۱ میلیون بشکه کاهش خواهد داشت و به ۳۰ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید.

علت این امر اوج‌گیری تولید نفت امریکا و برخی دیگر از کشورهای غیر اوپک، همچنین بدتر شدن چشم‌انداز اقتصادی جهان و به تبع آن کاهش آهنگ رشد تقاضای نفت در بازارهای بین‌المللی است.

ترمپ رئیس‌جمهور امریکا نیز در توثیقه‌ی ضمن تقدیر از سفر نخست وزیر جاپان به ایران و دیدار او با خامنه‌ای، اعلام کرد: «شخصاً احساس می‌کنم هنوز حتی فکر کردن درباره رسیدن به یک توافق با آن‌ها خیلی زود است. آن‌ها آماده نیستند، ما هم نیستیم.»

این در حالی‌ست که ترمپ در روزهای گذشته گفته بود که امیدوار است دولتش با حکومت اسلامی ایران کنار بیاید. به گزارش اسپوتنیک، واشنگتن‌پست نوشت: «ترمپ روز چهارشنبه در نشست خبری مشترک با همتای لهستانی خود در کاخ سفید، در پاسخ به سؤال یک خبرنگار در خصوص تنش‌های اخیر با حکومت ایران بیان داشت: من امیدوارم که بتوانیم با آن‌ها مذاکره کنیم و کنار بیاییم. اگر بتوانیم این کار را انجام دهیم عالی است، و اگر نتوانیم، باز هم عالی است!»

برخی مفسرین و تحلیل‌گران مسائل بین‌الملل، بر این عقیده‌اند که «ترمپ از طریق درخواست مذاکره به دنبال کیش و مات کردن جمهوری اسلامی است.»

به نظر می‌رسد که تلاش ترمپ برای مذاکره، به نوعی دولت‌های اروپائیان را با خود همراه کند. چرا که امریکا خوب می‌داند که در حال حاضر در ایران، هیچ نهاد و مقامی جرات مذاکره با امریکا را ندارد. به همین دلیل، امریکا توپ را به زمین حکومت اسلامی انداخته تا به افکار عمومی جهان نشان دهد که اگر مذاکره پذیرفته نشود، این حکومت اسلامی است که دست رد به مذاکره زده و اجماع بین‌المللی و منطقه‌ای را علیه خودش را فراهم کند.

در چنین روندی نه تنها حکومت اسلامی توان مذاکره با امریکا را ندارد، بلکه اگر واقعیت داشته باشد که سپاه به کشتی‌های نفتکش در دریای عمان و خلیج فارس حمله کرده، عملاً به آغاز جنگی ویرانگر دامن می‌زند. پیش از نخست وزیر جاپان، وزیر خارجه المان نیز یک روز پس از سفر به تهران به واشنگتن سفر کرده است. او در این سفر با وزیر خارجه امریکا دیدار و درباره نتایج سفرش به ایران گفت‌وگو می‌کند. بنا بر گزارش رسانه‌های المانی، «ماس» با نتایج دل‌خواه از این سفر بازنگشته است.

روزنامه اقتصادی سیاسی هندلزبلات المان که زبان صاحبان سرمایه در این کشور است، در تفسیری خطاب به حکومت اسلامی ایران نوشت: «تو هیچ فرصتی نداری، اما از آن استفاده کن!»

رسانه‌های المانی نوشتند: سفر وزیر خارجه این کشور به تهران هر چند نتیجه واضحی برای دو طرف نداشت، اما فرصتی فراهم کرد که اتحادیه اروپا و حکومت اسلامی ایران، هر دو به نحوی با یکدیگر اتمام حجت کنند. درست است که سفر حساس ماس، نه برای اروپا و نه برای حکومت ایران، نتیجه ملموسی نداشت، اما در عوض سه نکته را به خوبی نشان داد:

۱- اروپا جز لفاظی دیپلماتیک نمی‌تواند کاری برای حکومت ایران انجام دهد و تهران هم نباید به دور زدن تحریم‌های امریکا توسط اروپا امیدوار شود. سازوکار اینستکس عملاً مرده متولد شد. همین دیشب خبرگزاری بلومبرگ مدعی شد امریکا در حال بررسی تحریم اینستکس است. اعمال چنین تحریمی، اینستکس را بیش از پیش بی‌خاصیت می‌کند. با تحریم اینستکس، برجام عملاً نابود شده و دیپلماسی اروپا به شکست کامل می‌رسد.

۲- اروپا به نوعی به زبان تهدید روی آورده است. در واقع سخن اصلی ماس در تهران این بود که ما اروپایی‌ها نمی‌توانیم کار مهمی در زمینه تأمین منافع اقتصادی رژیم ایران انجام دهیم، اما از تهران انتظار داریم که به برجام کاملاً پایبند باقی بماند. معنای سخنان او می‌تواند حاوی یک تهدید ضمنی باشد مبنی بر این‌که اگر رژیم ایران، برجام را زیر پا بگذارد، اروپا چاره‌ای جز پیوستن به امریکا و شاید بازگرداندن پرونده تهران به شورای امنیت نخواهد داشت.

۳- اروپایی‌ها تا حدود زیادی قدرت تأثیرگذاری بر دو طرف منازعه - تهران و واشنگتن- را از دست داده‌اند. نه می‌توانند منافع رژیم ایران را تأمین کنند، و نه می‌توانند واشنگتن را به عقب‌نشینی یا کنار آمدن با تهران متقاعد کنند. انتخاب جاپان به عنوان میانجی میان حکومت ایران و امریکا نشان داد که اروپا دیگر حتی نقش واسطه را هم نمی‌تواند ایفا کند. شاید به‌همین دلیل است که دویچه‌وله در تحلیل سفر ماس به تهران نوشت که سرانجام در تهران «امید دیپلماتیک» از بین رفت.

در حالی که روز پنج‌شنبه نخست وزیر جاپان با خامنه‌ای در حال مذاکره بود صبح پنج‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۸ - ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹، در حالی که نخست‌وزیر جاپان برای مذاکره با مقام‌های ایرانی به‌منظور کاهش تنش بین ایران و امریکا در تهران به‌سر می‌برد، دو نفت‌کش فرانت آلترا (Front Altair) با پرچم جزایر مارشال، و کوکوکا کوریجوس (Kokuka Courageous) با پرچم پاناما در دریای عمان دچار سانحه شدند. نفت‌کش آلترا فرانت متعلق به نروژ است و از قطر عازم تایوان بود. کشتی کوکوکا کوریجوس را هم یک شرکت سنگاپوری اجاره کرده بود و از یکی از بنادر عربستان سعودی عازم تایوان بود.

این حادثه در ۳۰ کیلومتری جنوب بندر جاسک در شرق استان هرمزگان رخ داد و ایران اعلام کرد که ۴۴ ملوان این دو نفت‌کش را نجات داده و به بندر جاسک منتقل کرده است.

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در این کشتی‌ها انفجار رخ داده و دلیل انفجار نیز حمله از خارج بوده است. برخی رسانه‌های خارجی حتی از اصابت اژدر به نفت‌کش آلترا فرانت خبر دادند. اما هنوز علت اصلی این حادثه به‌شکل رسمی اعلام نشده است.

ساعتی پس از این سانحه، جاپان اعلام کرد که این کشتی‌ها محموله‌هایی را برای این کشور حمل می‌کردند. ارتش امریکا در روز جمعه ۱۴ ژوئن ۲۰۱۹، ویدیویی را منتشر کرد که در آن نشان می‌دهد افرادی از سپاه پاسداران ایران بمبی که منفجر نشده را از یکی از کشتی‌های نفت‌کش خارج می‌کنند.

ویدیوی ارتش امریکا، همچنین تصویر دیگری از یک بمب را قبل از این‌که سپاه آن را از بین ببرد را نشان می‌دهد. به گزارش العربیه، کاپیتان بیل اوربان، سخنگوی ستاد فرماندهی مرکزی امریکا گفت: «ساعت ۴:۱۰ بعد از ظهر یک قایق کشتی ایرانی نزدیک کشتی آتش گرفته شد و سعی کرد بمبی که عمل نکرده بود را از بدنه نفت‌کش کوکونا جدا کند.»

سخن‌گوی ستاد فرماندهی امریکا گفت تمام این اقدامات ضبط و در تصویر ویدیویی دیده می‌شود. نفت‌کش کوکوکا پیش‌تر در دریای عمان ابتدا منفجر و بعد دچار آتش‌سوزی شد.

جان‌اتان کوهن سرپرست نمایندگی امریکا در سازمان ملل در یک نشست شورای امنیت، درباره حادثه دریای عمان گفت که «حمله به کشتی‌های تجاری برای همه طرف‌ها غیرقابل قبول است.»

او با متهم کردن ایران اظهار داشت: «ایران تهدیدی فوق‌العاده برای صلح و امنیت منطقه‌ای است و در فعالیت‌های متعدد خرابکارانه در منطقه دست داشته است.»

از سوی دیگر، هیات نمایندگی دائم حکومت اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، اظهارات نماینده امریکا در شورای امنیت را رد کرد.

احمد ابوالغیط دبیرکل اتحادیه عرب نیز شورای امنیت سازمان ملل را به اتخاذ تدابیری برای تأمین امنیت خلیج فارس فراخواند. وی بدون اشاره به نام کشور خاصی گفت: «برخی‌ها در منطقه تلاش می‌کنند آتش تنش‌ها را شعله‌ور سازند و ما باید هشیار باشیم.»

اتحادیه عرب اخیراً در رابطه با حمله به کشتی‌ها در ماه گذشته، همچنین حمله حوثی‌های یمن به تأسیسات نفتی و فرودگاه‌های عربستان، در این کشور تشکیل جلسه داد و در بیانیه پایانی اقدامات ایران را «بی‌ثبات کننده» خواند و محکوم کرد.

در این میان، سرگئی ریابکوف معاون وزیر امور خارجه روسیه در رابطه با حملات به دو نفتکش در دریای عمان گفت: «مسکو خواستار عدم سوءاستفاده از این حادثه برای تشدید شرایط علیه ایران است.» به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک روسیه، او در ادامه گفت: «پیامدهای سیاسی و غیرسیاسی این حادثه باید ارزیابی شوند. اخیراً شاهد روند رو به افزایش فشارهای سیاسی، روانی و نظامی علیه ایران هستیم.» از سوی دیگر، سخنگوی ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا، گفت حمله به کشتی‌های غیرنظامی از جمله دو نفتکش که در دریای عمان هدف قرار گرفتند کاملاً غیرقابل قبول است و بریتانیا آمادگی آن را دارد تا جهت انجام تحقیقات پیرامون این حادثه کمک کند.

سخنگوی نخست‌وزیر بریتانیا اظهار داشت: «حمله به کشتی‌های غیرنظامی مانند رخداد امروز کاملاً غیرقابل پذیرش است.»

او افزود: «رعایت آزادی عبور و مرور دریائی امری حیاتیست و باید بر آن نظارت داشت. ما با شرکای بین‌المللی خود در تماسیم و آماده‌ایم که هر کمکی می‌توانیم انجام دهیم تا تحقیقات پیرامون این حادثه انجام شود.» محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، نیز در توییتری به زبان انگلیسی حادثه روز پنجشنبه را «فراتر از مشکوک» توصیف کرده است.

علی ربیعی سخنگوی دولت حسن روحانی هم گفته است: «دولت ایران آماده همکاری‌های امنیتی، منطقه‌ای برای تضمین امنیت از جمله در آبراه‌های استراتژیک است.»

به گفته مقام‌های امریکائی که نام‌شان در این رسانه‌ها عنوان نشده بعد از انفجار یک مین بر بدنه نفتکش کوکونا، خدمه کشتی هنگام بازرسی کشتی یک مین هشت اینچی منفجر نشده را بر بدنه شناسائی کرده‌اند. خدمه کشتی بین بریج و هواپیمای شناسائی امریکائی نیز وجود این مین را تأیید کرده‌اند. براساس این گزارش‌ها کمی بعد همین هواپیمای شناسائی متوجه می‌شود خدمه چند قایق کوچک ایرانی تلاش می‌کنند این مین منفجر نشده را از بدنه کشتی جدا کنند تا به ادعای آن‌ها مدرکی برای ارتباط مستقیم ایران به این حملات وجود نداشته باشد.

به گفته مقام‌های امریکائی هواپیمای شناسائی نیروی دریائی امریکا فیلم کاملی از تحرکات این قایق ایرانی ضبط کرده است.

رسانه‌های امریکائی گفته‌اند این تصاویر در اختیار آن‌ها قرار داده نشده است.

شبکه خبری سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام دیگر امریکائی گفته است چندین قایق کوچک ایرانی حتی بعد از حضور کشتی برینبیج امریکا در صحنه انفجار به تردد در نزدیکی این محل مشغولند تا جایی که ستاد فرماندهی مرکزی امریکا هشدار داد هیچ دخالتی را در حوزه مأموریت و فرماندهی این کشتی تحمل نخواهد کرد.

در ادامه واکنش‌ها به حملات روز پنجشنبه به دو نفتکش در دریای عمان و در حالی که ایران اتهام امریکا مبنی بر دست داشتن در این حملات را رد کرده، وزیر خارجه بریتانیا تأکید کرد دلیل ندارد که برداشت امریکا درست نباشد؛ جاپان، چین و شمار دیگری از کشورها نیز واکنش‌هایی جداگانه ابراز کرده‌اند.

جرمی هانت، وزیر خارجه بریتانیا، امروز جمعه ۲۴ خرداد در گفت‌وگو با رادیو بی‌بی‌سی گفت: «دلیلی نداریم که برداشت امریکا را باور نکنیم.»

وزیر خارجه بریتانیا با اشاره به این که «ما ارزیابی مستقل خودمان را انجام خواهیم داد» گفت: امریکا «نزدیکترین متحد ماست» و «دلیلی ندارد که ارزیابی آن‌ها را باور نکنیم».

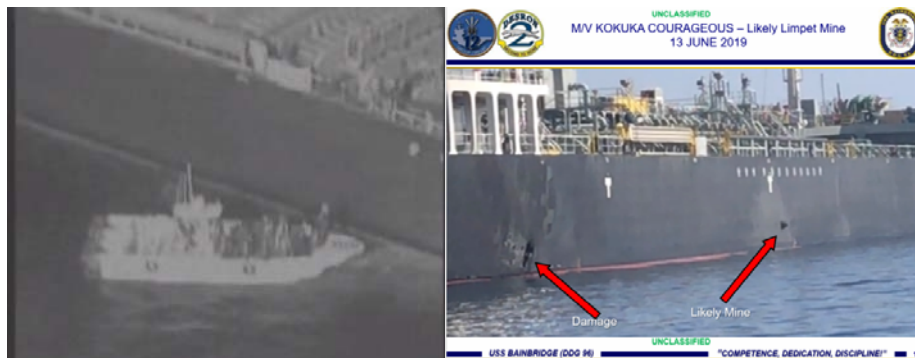
وزارت خارجه چین در واکنش به حمله به دو نفتکش در دریای عمان گفت که هیچکس خواستار جنگ در این منطقه نیست. چین ضمن تأکید بر خویشتن‌داری برانجام گفتگو برای حل اختلافات تأکید کرد. امریکا، ایران را عامل حمله به این دو نفتکش دانسته است. این واکنش امریکا باعث افزایش نگرانی‌ها در مورد رویارویی بین ایران و امریکا شده است. ایران اتهامات وارده از سوی امریکا را رد کرده است.

اتحادیه اروپا نیز همزمان با افزایش تنش‌ها بین ایران و امریکا بر سر اتهامات مربوط به دست داشتن ایران به دو نفتکش در دریای عمان خواستار خویشتن‌داری این دو کشور شده است.

یکی از سخن‌گویان بخش خارجی اتحادیه اروپا به خبرنگاران گفت: «ما در حال جمع‌آوری هر چه بیشتر اطلاعات و ارزیابی اوضاع هستیم. بار دیگر تأکید می‌کنیم که این منطقه دیگر به تنش‌های بیش‌تر و بی‌ثباتی نیازی ندارد. بنابراین ما برای اجتناب از تحریکات، خواستار حداکثر خویشتن‌داری هستیم».

دبیرکل سازمان ملل روز پنج‌شنبه ۲۳ خرداد حمله به دو نفتکش در دریای عمان را شدیداً محکوم کرد و گفت که دنیا نمی‌تواند تقابل بزرگی را در منطقه خلیج فارس تحمل کند.

همزمان اعلام شد که شورای امنیت قرار است اواخر روز پنج‌شنبه پشت درهای بسته این حادثه را بررسی کند. آنتونیو گوترش که در اجلاس همکاری سازمان ملل و اتحادیه عرب سخن می‌گفت، اظهار داشت: «من شدیداً هر حمله‌ای به کشتی‌های غیرنظامی را محکوم می‌کنم. واقعیت‌ها و مسؤولیت‌ها باید در این حادثه روشن شود».



همزمان، مقام‌های جاپانی گفته‌اند در حال همکاری نزدیک با امریکا برای تحقیق درباره حملات روز پنج‌شنبه در دریای عمان هستند.

به‌گزارش ای‌تارتاس، ئی‌شیده سوگا، دبیر کابینه دولت جاپان، روز جمعه گفت: «ما در همکاری نزدیک با امریکا و در حال تبادل اطلاعات با آن‌ها هستیم و دولت (جاپان) روند جمع‌آوری داده‌ها درباره حادثه را آغاز کرده است.» این مقام ارشد دولت جاپان در عین حال تأکید کرد که نمی‌خواهد در این مرحله درباره «پیامدها» و «مسئولان حملات» اظهار نظری بکند.

در چنین شرایطی، ستاد فرماندهی مرکزی امریکا، سنتکام، در بیانیه‌ای گفته است، ایالات متحده امریکا تمایلی به درگیری جدید در خاورمیانه ندارد، اما از منافع امریکا و کشتیرانی آزاد دفاع خواهد کرد.

سنتکام می‌گوید، به‌دنبال حمله به دو نفتکش در دریای عمان ناوشکن «یو اس اس میسون» را به سمت دریای عمان و محل این حمله اعزام کرده است.

این بیانیه اضافه کرده است، ناو یواس اس بین بریج در نزدیکی نفتکش آسیب دیده کوکوکا است و هیچ گونه دخالتی در جریان مأموریتش تحمل نخواهد شد.

ارل براون، یک سخن گوی سنتکام گفته است، امریکا و متحدانش اقدامات لازم را برای دفاع از خود و منافعشان انجام خواهند داد.

او گفته حملات روز پنجشنبه تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی است. سخن گوی سنتکام تصریح کرد: ما علاقه ای به درگیری جدید در خاورمیانه نداریم. ما از منافع خود دفاع خواهیم کرد، اما جنگ با ایران در راستای منافع استراتژیک امریکا و یا جامعه بین المللی نیست.

دو مقام ارشد دولت دونالد ترامپ هم گفته اند، به دنبال حمله به دو تانکر نفتکش، ایالات متحده در حال رایزنی با متحدان خود درباره گزینه های ممکن برای محافظت از تردد بین المللی در تنگه هرمز و آب های دریای عمان است. به گزارش رویترز، دو مقام امریکائی که خواستند نامشان فاش نشود به گروه کوچکی از خبرنگاران گفتند، ایالات متحده می خواهد مطمئن شود کشتیرانی آزاد از طریق تنگه هرمز ادامه خواهد داشت و تجارت دریائی بین المللی دچار وقفه نخواهد شد.

یکی از این مقام های امریکائی با اشاره به این که احتمال دارد این نوع حملات ادامه یابد، گفته است، فکر نمی کنیم این موضوع تمام شده باشد. او اضافه کرد که گزینه های مختلفی را مورد بررسی قرار می دهیم.

به گفته این مقام امریکائی، این حملات به گونه ای طراحی شده که نتایج سیاسی در پی داشته باشند. او همچنین این گمانه زنی را مطرح کرده است که احتمال دارد این حمله با هدف ایجاد اختلال در سفر شینزو آبه نخست وزیر جاپان به تهران صورت گرفته باشد.

سی ان ان می گوید، ملوانان نفتکش کوکوکا این مین عمل نکرده را بر بدنه کشتی دیده اند. یک کارشناس نظامی هم به این شبکه گفته است، هدف آن ها از بردن این مین عمل نکرده این بوده که شواهد ارتباط ایران با این حمله را از بین ببرند.

شرکت دریایی نفتکش ها، کیلر، به رادیو فردا گفته است کشتی «آلتر فرانت» متعلق به نروژ که حامل ۷۵ هزار تن نفتا (نوعی محصول نفتی) از قطر به مقصد تایوان بود و کشتی «کوکوکا کاریجس» جاپان با بار متانول (نوعی محصول پتروشیمی) عربستان، در دریای عمان هدف اتفاقی مشکوک به حمله قرار گرفتند.

اردیبهشت ماه نیز چهار کشتی شامل یک نفتکش عربستان در نزدیکی آب های امارات مورد حمله قرار گرفت. امارات، عربستان و امریکا انگشت اتهام را به سوی ایران نشانه گرفتند. ایران دست داشتن در این حملات را به شدت رد کرده و حملات روز پنجشنبه را نیز «مشکوک» خوانده است.

جوشا فری، سخن گوی ناوگان پنجم دریائی امریکا که در بحرین مستقر است، گفته که ناوگان امریکا در حال کمک به دو نفتکش است که مورد حمله قرار گرفتند. او توضیحی درباره چگونگی این حمله نداد و از هیچ مظنونی نام نبرد.

از سوی دیگر، باز هم عربستان سعودی ایران را متهم کرده است که به شورشیان حوثی شیعه مورد حمایتش در یمن دستور داده به فرودگاه عربستان حمله موشکی کنند.

خالد بن سلمان، معاون وزیر دفاع عربستان، روز پنجشنبه ۲۳ خرداد، در توییتری گفت: «ادامه تجاوزهای مستقیم و غیرمستقیم ایران از طریق شبه نظامی ها (حوثی) برای این کشور عواقب سهمگینی خواهد داشت.»

عربستان می گوید ایران پشت حملات شامگاه چهارشنبه حوثی های یمن با موشک کروز به یک فرودگاه بین المللی این کشور را در «ابها» بوده است. این حمله ۲۶ نفر زخمی بر جای گذاشت.

در همین حال، به گزارش خبرگزاری فرانسه، حملات به فرودگاه «ابها» با موجی از محکومیت کشورهای خاورمیانه و غرب مواجه شده است.

این مقام عربستان گفت: «جمهوری اسلامی تنها کشور منطقه است که بدون هیچ پروائی با موشک‌ها و پهپادها یا به طور مستقیم غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد.»

وزارت خارجه عربستان نیز با انتشار اعلامیه‌ای گفته است نیروهای ائتلاف عربی «تدابیر سریع و مناسب در مقابل حوثی‌های تروریست مورد حمایت ایران» اتخاذ خواهند کرد.

عربستان مدعی شده موشکی که فرودگاه را هدف قرار داده «توسط ایران به حوثی‌ها تحویل داده شده و کارشناسان ایرانی هنگام پرتاب موشک در محل حاضر بوده‌اند.»

گروه حوثی‌های شیعه اعلام کرده است حق دفاع از خود را در مقابل «محاصره و تجاوز» نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان دارد و تهدید کرده است «غافلگیری‌های بزرگتری در انتظار عربستان است.»

ائتلاف به رهبری عربستان، یک سال بعد از تصرف بخش‌های وسیعی از یمن توسط حوثی‌ها، از سال ۲۰۱۵ با این گروه در حال جنگی است که تاکنون ده‌ها هزار کشته برجای گذاشته و سازمان ملل وضعیت یمن را «بدترین بحران انسانی کنونی» لقب داده است.

در همین زمینه روزنامه گاردین گزارش داد که دیپلمات‌ها نگران هستند افزایش مناقشات با یمن به تنش میان ایران و امریکا دامن بزند.

در این میان، اخیراً دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا با امضای فرمان اضطراری راه را برای فروش میلیاردها دالر تسلیحات به عربستان بدون اجازه گرفتن از کنگره باز کرد که با انتقادهای شدیدی در کنگره مواجه شد.

یک سخن گوی حوثی گفته است که حملاتی به همه فرودگاه‌های عربستان انجام خواهد شد. تاکنون حملات متوجه فرودگاه‌های مرزی با یمن توسط پهپادها بوده است، اما کشته‌ای برجای نگذاشته است.

او گفته است که موشک‌های ضد هوائی امریکا قادر به ردیابی پهپادهای یمن نبوده است، اما عربستان می‌گوید شماری از آن‌ها را شکار کرده است.

در میان زخمی‌های حمله موشکی شامگاه گذشته، بنا بر گزارش مقامات عربستان، سه زن و دو کودک وجود دارد و همه زخمی‌ها غیرنظامی بوده‌اند.

سخن‌گوی حوثی‌ها گفته است این حمله واکنشی به «محاصره و تجاوز» عربستان به یمن بوده است و این حملات «بهترین راه برای شکستن محاصره» است.

تنگه هرمز (آبراهه‌ای) است که بین دو کشور ایران و عمان قرار دارد. این تنگه، خلیج فارس را به دریای عمان و از آن‌جا به دریای عرب متصل می‌کند.

عرض آن در باریک‌ترین نقطه حدود ۳۳ کیلومتر است و پهنای خطوط کشتیرانی در هر جهت فقط ۱/۵ کیلومتر است. عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای پرهیز از انتقال نفت خود از مسیر تنگه هرمز به دنبال راه‌های دیگری از جمله احداث خط لوله به بنادر دیگر هستند.

بر اساس داده‌های سال ۲۰۱۷، حدود یک پنجم از نفت مصرفی جهان یعنی ۱۷/۲ میلیون بشکه در روز از این تنگه عبور می‌کند. مصرف نفت جهان در روز حدود ۱۰۰ میلیون بشکه در روز است.

ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی که همه اعضای اوپک هستند بخش اعظم نفت خود را از طریق این تنگه به جهان صادر می‌کنند. قطر، بزرگترین تولیدکننده گاز مایع نیز تقریباً تمامی گاز خود را از همین طریق صادر می‌کند.

ایران تهدید کرده که در صورت اقدام امریکا برای خفه کردن اقتصادش انتقال نفت از مسیر تنگه هرمز را مختل خواهد کرد.

یکی از وظایف ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا که پایگاه اصلی آن در بحرین است حفاظت از کشتیرانی تجاری در منطقه است.

شایان ذکر است که در طول جنگ عراق (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) دو کشور تلاش می‌کردند انتقال نفت طرف مقابل را مختل کنند که به جنگ نفتکش‌ها معروف شد.

در ژوئیه ۱۹۸۸ - تیرماه ۱۳۶۷، ناو امریکائی وینسنس یک هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز منطقه سرنگون کرد که تمامی ۲۹۰ سرنشین آن کشته شدند. واشینگتن گفت این حمله تصادفی بوده ولی ایران آن را یک حمله عمدی می‌داند.

اوایل سال ۲۰۰۸، امریکا گفت شناورهای نظامی ایران در تنگه هرمز سه کشتی جنگی امریکائی را تهدید کرده‌اند. ژوئیه ۲۰۱۰، یک نفتکش جاپانی به نام «ام استار» در تنگه هرمز هدف حمله قرار گرفت. گروهی به نام «تیپ عبدالله اعظم» وابسته به القاعده مسئولیت این حمله را پذیرفت.

ژانویه ۲۰۱۲، دولت ایران تهدید کرد که در واکنش به تحریم‌های نفتی امریکا و اتحادیه اروپا برای متوقف کردن برنامه هسته‌ایش، تنگه هرمز را مسدود خواهد کرد.

ماه مه ۲۰۱۵، شناورهای نظامی ایران یک کشتی باربری را در تنگه هرمز توقیف کرده و به‌سوی نفتکشی که با پرچم اندونزی تردد می‌کرد شلیک کردند. ایران گفت این کشتی به یک پایانه نفتی آن کشور صدمه زده است.

ژوئیه ۲۰۱۸ حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران گفت که تهران در واکنش به تلاش‌های امریکا برای قطع صادرات نفت ایران ممکن است تنگه هرمز را مسدود کند.

ماه مه ۲۰۱۹ چهار کشتی، از جمله دو نفتکش سعودی، در جوار سواحل فجیره در امارات متحده عربی که یکی از بزرگترین بندرگاه‌های تجاری جهان است و در نزدیکی تنگه هرمز قرار دارد هدف حمله قرار گرفتند.

اردیبهشت امسال نیز چهار کشتی تجاری، از جمله یک نفتکش عربستان و یک کشتی باری نروژ در نزدیکی آب‌های امارات مورد حمله قرار گرفتند و آن زمان نیز قیمت نفت برای چند روز حدود پنج درصد اوج گرفت، اما دوباره فروکش کرد.

عربستان، امارات و امریکا انگشت اتهام را به‌سوی ایران نشانه گرفتند، اما حکومت اسلامی دست داشتن در هر دو حمله را رد کرده است.

مقامات حکومت اسلامی به دفعات تهدید کرده‌اند که در صورت قطع فروش نفت، تنگه هرمز را خواهند بست. حدود یک پنجم نفت مصرفی جهان از این تنگه انجام می‌شود.

حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران نیز گفته بود «اگر ایران نتواند نفت بفروشد، دیگران هم نخواهند توانست.» تحریم نفتی ایران توسط امریکا، به کاهش بسیار چشمگیر صادرات نفت منجر شده است تا جایی که بارگیری و صادرات روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت تا یک‌سال گذشته، اکنون به نیم میلیون بشکه کاهش یافته است.

امریکا با عدم تمدید معافیت‌هایی که برای هشت کشور خریدار نفت ایران صادر کرده بود، ضربه کاری دیگری به اقتصاد ایران زده است.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در تازه‌ترین گزارش خود می‌گوید تولید روزانه نفت ایران در ماه مه حدود ۲۲۷ هزار بشکه کاهش یافته و به دو میلیون و ۳۷۰ هزار بشکه رسیده است.

تولید نفت ایران پیش از آغاز دوره تازه از تحریم‌های امریکا روزانه بالای ۳/۸ میلیون بشکه بود.

امریکا در آبان‌ماه سال گذشته صادرات نفت ایران را تحریم کرد و تنها به هشت کشور اجازه داد واردات از ایران را به شکل محدود ادامه دهند، اما در اردیبهشت امسال، دوم ماه مه، کلاً صادرات نفت ایران را تحریم کرد.

بر اساس داده‌های شرکت ردیابی نفتکش‌ها، کپلر، ایران در ماه گذشته روزانه ۸۷۰ هزار بشکه نفت به کشتی‌ها بار کرده است، اما دقیقاً معلوم نیست چه میزان از این نفت به فروش رفته است.

به هر تقدیر اطلاعات ماهواره‌ای نشان می‌دهد که ۹۰ درصد نفت بارگیری شده در همان ماه، در نفتکش‌ها ذخیره شده‌اند.

آژانس بین‌المللی انرژی نیز در تازه‌ترین گزارش خود که روز جمعه ۱۴ ژوئن - ۲۴ خردادماه، منتشر شد، می‌گوید صادرات نفت ایران در ماه مه با افتی ۴۸۰ هزار بشکه‌ای نسبت به آوریل، به حدود ۸۱۰ هزار بشکه رسیده، اما دقیقاً معلوم نیست این محموله‌ها به کدام مقصد رفته‌اند.

این گزارش تولید نفت ایران در ماه مه را نیز ۲/۴ میلیون بشکه در روز ارزیابی کرده است. اخیراً خبرگزاری رویترز نیز گزارش کرد که ایران در ماه مه روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت صادر کرده است که ۲۲۵ هزار بشکه آن راهی چین شده، اما سه چهارم این محموله‌ها در واقع نفتی بوده که چین در ماه آوریل از ایران خریده بوده و در ماه مه تحویل گرفته است.

کپلر نیز می‌نویسد ایران ماه گذشته ۲۰۰ هزار بشکه نفت به چین، ۱۳۰ هزار بشکه به ترکیه و ۱۳۵ هزار بشکه به هند تحویل داده است. دقیقاً معلوم نیست چه میزان از این نفت، محموله‌هایی بوده که در ماه آوریل خریداری شده است. ترکیه اعلام کرده است که خرید نفت از ایران را متوقف کرده و بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت ایران نیز هفته گذشته گفت چین دیگر نفتی از ایران نمی‌خرد.

با این حال ایران می‌گوید مصمم است نفت خود را به‌صورت پنهانی در بازار سیاه بفروشد.

اوپک می‌نویسد تولید نفت این سازمان ماه گذشته به ۲۹ میلیون و ۸۷۶ هزار بشکه رسیده که نسبت به ماه آوریل ۲۳۶ هزار بشکه کاهش را نشان می‌دهد. غیر از ایران، تولید ونزوئلا، نیجریه و عربستان نیز کاهش یافته، اما تولید عراق، آنگولا و کویت افزایش را نشان می‌دهد.

با وجود افت تولید اوپک، قیمت نفت نه تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش نیز داشته است. قیمت نفت سبد اوپک در ماه مه نسبت به آوریل حدود یک درصد کاهش داشته و به زیر ۷۰ دلار رسیده است. قیمت کنونی سبد نفتی اوپک حدود ۶۰ دلار است.

این گزارش می‌افزاید نیاز جهانی به نفت اوپک در سال گذشته ۱/۷ میلیون بشکه نسبت به سال ۲۰۱۷ کاهش داشت و در سال جاری نیز دوباره ۱/۱ میلیون بشکه کاهش خواهد داشت و به ۳۰ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید.

علت این امر اوج‌گیری تولید نفت امریکا و برخی دیگر از کشورهای غیر اوپک، همچنین بدتر شدن چشم‌انداز اقتصادی جهان و به تبع آن کاهش آهنگ رشد تقاضای نفت در بازارهای بین‌المللی است.

حدود ۸۵ درصد از کل نفت وارداتی جاپان از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. جاپان در سه ماهه ابتدایی امسال روزانه ۱۴۰ هزار بشکه نفت از ایران خریده بود، اما از ماه آوریل، حتی زودتر از دوم مه که امریکا خرید نفت ایران را کلاً تحریم کرد، واردات نفت از کشور را متوقف کرد، چون سه هفته طول می‌کشد تا محموله‌های نفتی ایران به جاپان برسد.

از سوی دیگر، امریکا تحریم‌های خود علیه ایران را باز هم افزایش داده است. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت دارایی امریکا تحریم‌های جدیدی علیه بخش پتروشیمی ایران وضع کرده است.

این وزارتخانه در بیانیه‌ای تحریم‌هایی علیه شرکت پتروشیمی خلیج فارس وضع کرده و دلیل آن را حمایت مالی از قرارگاه خاتم‌الانبیا خوانده است.

قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه پاسداران در سال‌های اخیر پیمان‌کاری تعدادی از بزرگترین پروژه‌های نفت و گاز ایران را به‌عهده داشته است.

شرکت پتروشیمی خلیج فارس، یکی از بزرگترین هلدینگ‌های پتروشیمی در خاورمیانه است.

وزارت دارایی امریکا به جز شرکت پتروشیمی خلیج فارس، شبکه‌ای از ۳۹ شرکت تابعه و شرکت‌های عامل فروش ثبت شده در خارج از ایران را هم تحریم کرده است.

وزارت دارایی امریکا شرکت‌هایی چون شرکت پتروشیمی فجر، شرکت پتروشیمی پارس، شرکت پتروشیمی ارومیه و چندین شرکت پتروشیمی در داخل ایران را تحریم کرده است.

وزارت دارایی امریکا، همچنین شرکت ان‌پی‌سی اینترنشنال مستقر در لندن را مشمول تحریم‌های خود قرار داده است. این وزارتخانه دو شرکت عامل فروش در امارات را هم تحریم کرده است.

شرکت پتروشیمی خلیج فارس می‌گوید ۱۱ زیرمجموعه از مجتمع‌های پتروشیمی ایران در اختیار این شرکت است که روی هم ۴۱ درصد ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی این کشور را تولید می‌کنند.

وزارت دارایی امریکا گفته است این شرکت، ۵۰ درصد صادرات پتروشیمی ایران را در اختیار دارد.

استیو منوچین، وزیر دارایی امریکا گفته است با هدف قرار دادن این شبکه، امریکا می‌خواهد مانع کم‌رسانی مالی صنعت پتروشیمی به سپاه باشد. به‌گفته وزیر دارایی امریکا، هدف این کشور محدود کردن منابع مالی شرکت‌های پتروشیمی است.

منوچین گفته است اقدام امریکا هشدار می‌دهد که کشورش شرکت‌هایی را در بخش پتروشیمی ایران و سایر بخش‌ها که به سپاه کمک مالی می‌کنند، هدف قرار خواهد داد.

صادرات محصولات پتروشیمی در کنار صادرات نفت، از مهم‌ترین منابع درآمدهای ارزی ایران محسوب می‌شوند که امریکا پس از خروج از برجام آن‌ها را هدف قرار داده است.

این برای اولین بار نیست که امریکا بخش پتروشیمی ایران را تحریم می‌کند. پیش از امضای توافق هسته‌ای، امریکا هشت شرکت پتروشیمی ایران را که «در مالکیت یا در اختیار دولت» بودند را در فهرست تحریم‌های علیه این کشور قرار داده بود.

اکنون همه شواهد نشان می‌دهد که میان‌جی‌گری نخست وزیر جاپان مانند وزیر خارجه المان و یا نماینده اتحادیه اروپا و غیره نتیجه‌ای نداشته‌اند به این دلیل می‌توان گفت فعلاً برای یک دوره دیگر پرونده مذاکره بسته شد و فراتر از آن، انفجار دو تانکر نفت‌کش در دریای عمان و فیلم‌هایی که نقش سپاه پاسداران حکومت اسلامی در این واقعه نشان داده شده اگر واقعیت داشته باشند احتمال شعله‌ور شدن یک جنگ خائمانسوز دیگر بر علیه مردم ایران زیاد شده است.

پیش از این نیز یک منبع دیپلماتیک به بی‌بی‌سی عربی گفته است که ظریف در سفر اخیرش به بغداد، از طریق عراق پیامی از جانب حکومت تهران به واشنگتن ارسال کرد؛ مبنی بر این‌که جمهوری اسلامی به آمریکا اجازه نمی‌دهد آن را اصطلاحاً «قورباغه آب پز» کند.

طبق ادعای این منبع، مفاد پیام ظریف هشدارآمیز بود. همین منبع در توصیف پیام ظریف گفت: حکومت ایران بین جنگ اقتصادی و جنگ نظامی تفاوتی قائل نمی‌شود و به آمریکا اجازه نمی‌دهد که روی حرارت کم آن را بپزد و بمیراند.

بی‌بی‌سی عربی در ادامه مدعی شد که عراقچی هم در سفر به کویت، عمان و قطر پیام مشابهی با خود برده است مبنی بر این‌که تسلیم، گزینه جمهوری اسلامی نیست و اعمال فشار به ایجاد تقابلی منجر خواهد شد که شاید هیچ‌کس آن را نمی‌خواهد.

استراتژی قورباغه آب پز... وقتی قورباغه را داخل یک قابلمه پر از آب قرار می‌دهند، و آب آن را به تدریج داغ می‌کنند، قورباغه نمی‌تواند متوجه افزایش تدریجی حرارت شود. او آن‌قدر می‌نشیند تا بمیرد.

پس از حمله به دو نفت‌کش در دریای عمان، احتمال خطر جنگ در منطقه شدت یافته است و تنش‌ها به سرعت در حال افزایش است. این بار مقامات امریکائی مدعی‌اند که فیلم کاملی از عملیات سپاه پاسداران بر علیه این نفت‌کش‌ها در دست دارند. امریکائی‌ها پیش از این، ایران را مسؤول حملاتی به کشتی‌های نفت‌کش در ماه گذشته معرفی کرده بودند. مقصد این کشتی‌های نفت‌کش جاپان بود و مورد حمله قرار گرفتند، آن‌هم در حالی‌که شینزوآبه نخست وزیر جاپان در حال دیدار با خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ایران بود.

در واقع، چه کسی مقصر اصلی است و چه کسی زمینه را برای این حملات ایجاد کرده است هنوز اثبات نشده است. در حال حاضر حکومت‌هائی بر سرنوشت شهروندان جهان حاکمند که همگی مستقیم و غیرمستقیم جنگ‌طلب و خسونت‌طلب هستند. این حکومت‌ها، نه تنها کمترین اهمیتی به زیست و زندگی شهروندان و طبیعت نمی‌دهند، بلکه در جهت نابودی انسان و محیط زیست می‌کوشند.

در چنین وضعیتی دانشمندانی چون انیشتین و فروید که برای صلح جهانی تلاش می‌کردند از جمله جنگ‌طلبان را مورد تجربه و تحلیل قرار داده‌اند.

آلبرت انیشتین در سال ۱۹۳۲ میلادی به توصیه آنری بونه، رئیس «انستیتوی بین‌المللی همکاری‌های معنوی» در پاریس که به او پیشنهاد تبادل نظر با دانشمندی سرشناس را داده بود، نامه‌ای به فروید می‌نویسد. انیشتین با وجود آن‌که اعتقاد چندانی به روان‌شناسی نداشت، در نامه‌اش به فروید از او می‌خواهد تا مسأله ممانعت از جنگ را از منظر روانشناسی بررسی کند.

انیشتین در جایگاه دانشمند علوم طبیعی در جست‌وجوی راحل عملی پیش‌گیری از وقوع جنگ است. انیشتین نامه خود به فروید، تاریخ ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۳۲ میلادی را دارد، با این پرسش آغاز می‌کند: «آیا در مقابل فاجعه شوم جنگ راه نجاتی برای بشریت وجود دارد؟»

فروید بر این باور است که معقول‌ترین، تیزبین‌ترین و زیرک‌ترین انسان‌ها، تحت شرایطی، برده و مقهور احساسات و غرایز خود می‌شوند. او سهولت بسیج مشتاقانه انسان‌ها برای شرکت در جنگ را در وجود غریزه تخریب می‌داند و امیدی به‌محو کامل تمایلات پرخاشگرانه انسان‌ها ندارد.

فروید در نامه‌اش از بررسی نسبت «حقوق» با «زور» آغاز می‌کند. او بر این باور است که تضاد منافع میان انسان‌ها در اساس با توسل به زور خاتمه پیدا می‌کند. این اصل در دنیای حیوانات نیز که انسان نباید خود را از آن جدا بداند، مصداق دارد.

در آغاز و در زمانی که انسان‌ها به صورت گله زندگی می‌کردند، زور بازو تعیین می‌کرد چه چیزی به چه کسی تعلق دارد و در پیش‌برد کارها از اراده و خواست چه کسی باید پیروی کرد. قدرت بازو به زودی جای خود را به استفاده از ابزار تولید داد. پیروزی از آن کسی بود که بهترین اسلحه‌ها را در اختیار داشت و یا به بهترین وجه از آن‌ها می‌توانست استفاده کند. با پیدایش اسلحه، برتری فکری جای زور بازو را گرفت.

هدف اصلی جنگ این بود که طرف مقابل با خساراتی که به او وارد می‌شود و با از بین بردن نیروی او، مجبور به چشم‌پوشی از خواست‌ها و دعوی‌های خود شود. این امر زمانی کاملاً به نتیجه می‌رسید که پیروزی نهائی بر رقیب و به عبارتی، نابودی و کشتن دشمن امکان‌پذیر می‌بود.

فروید معتقد است که منشاء پیدایش حاکمیت قدرت‌های بزرگ، زور صرف یا نیروی متکی به دانش آن‌هاست و امروز هم با وجود تغییر و تکامل شیوه‌های حکومتی، باز تنها راه رسیدن به حق، زور است. البته این بار نیز زور با همان هدف و ابزار عمل می‌کند و خود را در مقابل کسانی که به مقاومت برخاسته‌اند، باز مئیابد؛ تنها با این تفاوت که این بار زور شکل فردی ندارد، بلکه قدرتی اجتماعی است.

فروید معتقد به وجود غرایز گوناگون در انسان‌هاست و آن‌ها را کلاً به دو گونه تقسیم می‌کند: یکی غریزه عشق که خواهان صیانت و وحدت است و از سوی دیگر، در درون هر انسانی «غریزه پر خاشگری» یا «غریزه تخریب» نیز فعال است که خواهان انهدام و کشتار است و به‌درستی نام «غریزه مرگ» به آن داده‌اند.

بنابراین رفتار انسان‌ها دارای پیچیدگی مختص به خود است؛ زیرا به ندرت رفتاری را می‌توان یافت که تنها از یک غریزه متأثر شده باشد. به باور فروید هر کنش و رفتار به گونه‌ای خودانگیخته، آمیزه‌ای از غریزه عشق و تخریب است. انگیزه‌های بسیاری باید هم‌زمان با هم تلاقی کنند و بر هم تأثیر گذارند تا کنش و رفتار انسان امکان‌پذیر گردد.

از این‌رو، زمانی که انسان‌ها به جنگ فراخوانده می‌شوند، انگیزه‌های درونی مختلفی پاسخ‌گوی توافق آن‌ها با جنگ است، انگیزه‌های نیک و بد، انگیزه‌هایی که با صدای بلند بازگو می‌شوند و انگیزه‌هایی که با سکوت برگزار می‌شوند. ولی بی‌تردید میل به تعرض و تخریب جزو آن‌هاست.

فروید در نامه‌اش به این‌بینش، این پرسش را مطرح می‌کند که اصولاً چرا ما در مقابل جنگ چنین سخت برآشفته می‌شویم؟ شما و من و بسیاری دیگر؟ چرا ما به جنگ نیز چون دیگر مصائب آزاردهنده زندگی تن در نمی‌دهیم؟ چرا جنگ را امری طبیعی در نظر نمی‌گیریم که علل زیست‌شناختی دارد و تجربه به ما نشان داده که عملاً اجتناب‌ناپذیر است؟

او خود در پاسخ این پرسش می‌گوید: چون هر انسانی حق حیات دارد؛ چون جنگ، زندگی سرشار از امید انسان‌ها را تباه می‌کند؛ چون با اسارت کشیدن انسان‌ها، آنان را خوار و خفیف می‌سازد و راهی اردوگاه‌های مرگ می‌کند؛ چون بر خلاف انسان، او را به کشتار هم‌نوعانش وامی‌دارد؛ چون ارزش‌های مادی گرانبهایی که حاصل تلاش و کوشش و کار انسان‌هاست، ویران و نابود می‌کند.

افزون بر این‌ها، چون جنگ به شکل کنونی‌اش دیگر امکان تحقق آرمان قهرمانانه گذشته را دربر ندارد و در جنگ‌های آتی به‌خاطر تکامل جنگ ابزارهای مدرن، نابودی کامل یکی از طرفین و شاید هر دو طرف درگیر را در پی خواهد داشت.

فروید تأکید می‌کند که فرایند رشد فرهنگی علت اصلی برآشفتن ما از جنگ است. نگرش روانی که فرایند تکامل فرهنگی به ما تحمیل کرده است، شدیداً در تضاد با جنگ قرار دارد. از این‌رو در مقابل جنگ برآشفته می‌شویم و قادر به تحمل آن نیستیم. این تنها مخالفتی عاطفی و واکنشی عقلانی نیست، بلکه برآشفتن صلح‌طلبان، یک نابردباری ذاتی است؛ گوئی حساسیتی بنیادیست در شدیدترین حالت آن. در واقع چنین می‌نماید که تحقیری که جنگ بر زیباشناسی روا می‌دارد، چندان کمتر از وحشی‌گری‌هایش مایه بیزاری و مخالف صلح‌طلبان با آن نیست.

فروید این «حساسیت بنیادی» را برخاسته از فرایند رشد و تکامل فرهنگی می‌داند که از زمان‌های بسیار دور ادامه دارد. او معتقد است، ما در واقع همه چیزمان را مدیون همین تکامل فرهنگی هستیم که بسیاری نام «تمدن» بر آن می‌نهند. از آن‌چه بهره برده‌ایم و از هر آن‌چه رنج می‌بریم برخاسته از همین فرایند تکامل فرهنگیست، تکاملی که علل و آغازش ناروشن، انجامش نامعلوم و برخی از ویژگی‌هایش به‌سادگی آشکار است.

از ویژگی‌های روان‌شناختی تکامل فرهنگی، دو ویژگی از اهمیت بیش‌تری برخوردارند: یکی قدرت‌یابی خرد که بر زندگی غریزی چیره شده است؛ و دیگری درونی شدن تمایلات پرخاشگرانه با همه پیامدها و عواقب خطرناکش.

فروید در پایان نامه‌اش این پرسش را پیش می‌کشد که تا کی باید در انتظار نشست تا دیگران نیز صلح‌طلب شوند؟ پاسخ فروید چنین است: «نمی‌دانم؛ اما شاید خیال‌بافی نباشد اگر به تأثیر دو عاملی امید ببندیم که در آینده‌ای نه چندان دور به جنگ و جنگ‌طلبی خاتمه خواهند داد: یکی نگرش فرهنگی و دیگری ترس موجه از جنگ آتی. نمی‌توان حدس زد که این راه از چه پیچ و خم‌هایی خواهد گذشت. اما به جرئت می‌توان گفت: هرآن‌چه رشد و تکامل فرهنگی را تقویت و تسریع کند، بی‌گمان کاربردی مثبت علیه جنگ خواهد داشت.»

زیگموند فروید در ماه‌های مارس و آوریل سال ۱۹۱۵ میلادی، درست شش ماه پس از آغاز جنگ جهانی اول، در دو مقاله با عناوین «سرخوردگی از جنگ» و «رابطه ما با مرگ»، به تبیین نظر خود درباره پدیده جنگ و مرگ پرداخت.

فروید نظریه روان‌شناختی خود پیرامون جنگ را در این دو مقاله نسبتاً طولانی و تحلیلی طرح کرده است. بعدها این مقاله‌ها در مجموعه آثار او زیر عنوان «مباحثی روزآمد درباره جنگ و مرگ» انتشار یافتند.

بی‌گمان در حال حاضر نیز بررسی فروید از نسبت زور و حقوق و استدلال‌های او در این زمینه، هنوز هم به قوت خود باقی است. به‌ویژه وقتی می‌بینیم که در قرن گذشته، با وجود دو جنگ جهانی، هنوز جنگ‌های کوچک و بزرگ در گوشه و کنار جهان در جریان است و ما شاهد ناتوانی نهادهائی همچون سازمان ملل و دولت‌های کوچک و بزرگ و هر بار «زور» بر «حقوق جهان‌شمول بین‌الملل» هستیم.

آلبرت انیشتین المانی، فیزیکدان نظری و واضع نظریه «نسبیت»، جایزه نوبل فیزیک را در سال ۱۹۲۱ برای خدماتش به فیزیک نظری و به خصوص به خاطر کشف قانون اثر فوتوالکتریک دریافت کرد. او به دلیل تأثیرات چشم‌گیرش، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فیزیکدانانی شناخته می‌شود که به این جهان پا گذاشته‌اند. در فرهنگ عامه، نام «انیشتین» مترادف هوش زیاد و نابغه قرار داده شده است.

انیشتین، یک سال قبل از مرگش به دوست قدیمی‌اش لینوس پاولینگ نوشت: «من یک اشتباه بزرگ در زندگی مرتکب شدم. وقتی نامه‌ای را که ساخت بمب اتمی را به روزولت توصیه می‌کرد امضاء کردم. اما یک دلیل برای این کار وجود داشت؛ خطر ساخت این بمب توسط نازی‌ها...»

او پس از پایان جنگ جهانی دوم برای خلع سلاح هسته‌ای و تشکیل یک دولت جهانی مبارزه کرد، کما این‌که معروف‌ترین نقل قول از او در این زمینه چنین است: «من نمی‌دانم جنگ جهانی سوم چگونه به وقوع خواهد پیوست، اما می‌دانم که مردم در جنگ جهانی چهارم با چوب و سنگ به جنگ هم می‌روند!»

در دوره مکارتی که مخالفت با کمونیسم در امریکا شدید شده بود انیشتین در مورد دولت جهانی مطلب می‌نوشت. در سال ۱۹۴۹، او در مقاله‌ای در ریویو ماهانه در مورد تشویق به سوسیالیسم نوشت. او در این مقاله از کاپیتالیسم انتقاد کرد و آن را سرمنشا مسائل منفی دانست. انیشتین به‌همراه آلبرت شویتزر و برتراند راسل تلاش کرد که جلوی آزمایش‌های اتمی و بمب‌های اتمی را بگیرد. چند روز قبل از مرگش، او نامه راسل- انیشتین را نوشت که به کنفرانس پوگواش در مورد علم و مسائل دنیا منجر شد.

انیشتین عضو گروه‌های حقوق اجتماعی نظیر NAACP بود. انیشتین طرفدار سوسیالیسم بود و از کاپیتالیسم بیزار بود. در چنین شرایطی، بحران‌های عدیده‌ای سراسر جامعه ایران را فراگرفته است؛ در حالی که سرکوب و سانسور، فقر و فلاکت در ایران غوغا می‌کند؛ در حالی که شبح جنگ نیز بر بالای سر جامعه ایران به پرواز درآمده است با این وجود، سران و مقامات و ارگان‌های حکومت اسلامی، همچنان بر طبل جنگ می‌کوبند و از سوی دیگر سانسور و سرکوب را در داخل کشور تشدید کرده‌اند.

هر روز خبرهایی درباره وضعیت ناگوار از جامعه ایران به خصوص وضع زندانیان در زندان‌ها، شکنجه و اعدام آن‌ها، منتشر می‌شود.

علیرضا شیرمحمدعلی، زندانی سیاسی در زندان بزرگ تهران معروف به زندان فشافویه، به‌دست دو زندانی بزهکار کشته شد. این قتل در حالی رخ داد که او از تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۹۷ در اعتراض به اجرا نشدن اصل تفکیک جرایم، شرایط نامناسب نگهداری در این زندان و مخالفت با طرح درخواست انتقالش به زندان اوین، دست به اعتصاب غذا زده بود.

شیرمحمدعلی روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین پس از ۳۴ روز، با وعده مساعد مسئولان به اعتصاب غذایش پایان داده بود. قوه قضائیه و مسئولان زندان‌های کشور، گاهی زندانیان سیاسی را به بند لات‌ها و قاچاقچیان و بزهکاران منتقل می‌کنند تا از این طریق آن‌ها را در معرض خطرات مختلف از جمله مرگ قرار دهند. چندی پیش نیز سهیل عربی زندانی سیاسی از چنین تله مرگی جان سالم بدر برده بود.

سهیل عربی، از سال ۱۳۹۲ در حال گذراندن حکم هفت سال زندان خود در زندان تهران بزرگ(فشافویه) است مورد ضرب و شتم مأموران قرار گرفته و از دسترسی به امکانات پزشکی محروم است.

روز جمعه ۲۰ اردیبهشت، خبری منتشر شد که سهیل عربی از چند زندانی غیرسیاسی که از سوی نگهبانان زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند دفاع کرده بود اما همین مسأله باعث شد خود او نیز مورد ضرب و شتم قرار بگیرد و از ناحیه بیضه چپ دچار آسیب دیدگی جدی شود به شکلی که باید به‌طور اورژانسی مورد عمل جراحی قرار بگیرد. بنا بر گزارشات روز دوشنبه ۹ اردیبهشت، این فعال مدنی بدون هماهنگی به بیمارستان فیروزآبادی تهران اعزام شد و به‌دلیل نبود تخت خالی به زندان بازگردانده شده است.

سهیل عربی، عکاس، وبلاگ‌نویس و فعال سیاسی با تمایلات آنارشستی در آذرماه سال ۹۲ توسط سپاه پاسداران بازداشت و به اتهام «سب‌النبی و توهین به مقدسات» به اعدام محکوم شد اما در تیر ماه ۱۳۹۴ یکی از شعبات دیوان عالی کشور حکم اعدام او را نقض کرد. او پس از اعاده دادرسی و نقض حکم، به ۷ سال و نیم حبس محکوم شد اما

مجددا در مهرماه امسال به غیر از محکومیت قبلی‌اش با حکم شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی احمدزاده رئیس این شعبه، به ۳ سال حبس تعزیری، تبعید و اقامت اجباری در برازجان محکوم شد.

به گزارش خبرگزاری هرانا، روز چهارشنبه ۲۲ خرداد ماه ۹۸، امیر امیرقلی، ساناز اله یاری، امیرحسین محمدی‌فر و اسماعیل بخشی به صورت جداگانه جهت ابلاغ کیفرخواست به دادگاه انقلاب تهران منتقل شده و به زندان اوین بازگردانده شدند.

منابع نزدیک به این زندانیان، همچنین به هرانا گفتند «علی‌رغم صدور قرار وثیقه توسط بازپرس در ارتباط با متهمین بازداشتی این پرونده، سرپرست دادسرای اوین، ناصری، از قبول وثیقه و آزادی موقت این افراد جلوگیری کرده است.»

لازم به یادآوری است در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه سپیده قلیان، اسماعیل بخشی، امیر امیرقلی، ساناز اله یاری و امیرحسین محمدی‌فر در شعبه ۷ بازپرسی جهت تفهیم اتهامات جدید و آخرین دفاع در دادسرای اوین حاضر شده بودند. پس از آن نیز در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه عسل محمدی و علی نجاتی نیز به همین شعبه احضار شده و در جلسه دفاع آخر بازپرسی مورد تفهیم اتهامات جدید نیز قرار گرفتند.

اسماعیل بخشی نماینده جوان و جسور کارگران شرکت هفت‌تپه و سپیده قلیان فعال مدنی و حامی کارگران هفت‌تپه که هم اکنون در زندان اوین و قرچک ورامین نگهداری می‌شوند در تاریخ ۳۰ دی ماه ۹۷، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از مدتی به زندان‌های شبیان و سپیدار اهواز منقل شده بودند. بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در حالی صورت گرفته بود که تلویزیون ایران شب ۲۹ دی ماه در فیلمی با عنوان «طراحی سوخته» اعترافاتی از اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه که در جریان بازداشت و بازجویی پیشین آن‌ها ضبط شده بود را نمایش داد که در آن گفته بودند با «گروه‌های مارکسیستی و برانداز در خارج از ایران» ارتباط دارند.

امیر امیرقلی عضو هیئت تحریریه نشریه گام نیز در رابطه با اعتراضات کارگران هفت‌تپه، در تاریخ ۲۶ دی‌ماه ۹۷ در شهر بابل‌سر و توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین در تهران منتقل شده بود. وی در تاریخ ۲۹ بهمن ماه سال گذشته به اداره اطلاعات اهواز و سپس به بند قرنطینه زندان شبیان اهواز منتقل شده بود. وی هم اکنون در بند ۴ زندان اوین به سر می‌برد.

از سوی دیگر ساناز اله یاری به‌همراه همسرش امیرحسین محمدی‌فر در تاریخ ۱۹ دی ماه ۹۷، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و با وجود گذشت بیش از ۵ ماه کماکان در زندان اوین نگهداری می‌شوند. در اردیبهشت ماه سال جاری امیرحسین محمدی‌فر از بازداشتگاه اداره اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین به بند ۴ و ساناز اله یاری به بند زنان زندان اوین منتقل شدند. بازداشت ساناز اله یاری در حالی ادامه دارد که شرایط جسمی او به دلیل ابتلا به بیماری نامشخصی که باعث کاهش وزن، ضعف جسمی و لرزش شدید اندام‌ها شده است نگران‌کننده است. وی همچنین در دستگاه گوارشی نیز دچار مشکل جدی شده و از درد شدید معده رنج می‌برد.

عسل محمدی و علی نجاتی دیگر متهمان این پرونده هستند که هم اکنون با قید وثیقه آزادند.

سپیده قلیان در پی انتقالش به زندان قرچک ورامین که به‌منظور آزار و شکنجه بیشتر او صورت گرفته منتشر شد که در نامه‌ای چنین تأکید کرده ست: «... من هنوز ایستاده‌ام. ... عاملان و حافظان وضع موجود نمی‌دانند تا وقتی که شکاف‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی در پیکر این جامعه باشد صدای اعتراض خاموش نخواهد شد و با برخوردهای سبعانه با معترضان نتیجه‌ای عایدشان نمی‌شود. من با تمام ستمی که در حق‌ام روا داشته‌اید همچنان ایستاده‌ام و روزها

که بیشتر سپری می‌شود بیشتر بر حقانیت صدا و اعتراض‌ها باور پیدا می‌کنم. مقاومت من در پیوند با مقاومت همه‌ی کسانی‌ست که همه‌ی تهدید و فشار خم به قامت استوارشان نینداخته و نخواهد انداخت. من ایستاده‌ام، چرا که بحران اقتصادی و اجتماعی عمیقی که من را به اعتراض واداشت، هنوز وجود دارد و نه تنها رفع نشده، که تشدید نیز شده است.»

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در زندان اوین و گلرخ ابراهیمی ایرانی، زندانی سیاسی سابق به تاریخ ۲۸ خردادماه موقوف شد. کیفرخواست پرونده جدید این افراد در تاریخ ۷ و ۸ خردادماه به صورت جداگانه و پس از حضور در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ایشان ابلاغ شد. آتنا دائمی هم اکنون در زندان اوین در حال تحمل حبس است و گلرخ ایرانی در فروردین سال جاری با پایان دوران محکومیت و با تودیع قرار از بابت این پرونده، از زندان آزاد شده است.

زینب جلالیان بیش از ۱۰ سال است که از مرخصی محروم است. او در سال ۱۳۸۶، بازداشت و به اعدام محکوم شد. حکم اعدام او در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور تأیید شد؛ اما پس از پی‌گیری‌های وکلای او، حکم زینب جلالیان با یک درجه تخفیف، به حبس ابد تقلیل یافت.

به‌گزارش خبرگزاری هرانا، روز یکشنبه ۱۹ خردادماه ۹۸، یک زندانی متهم به قتل در زندان گرگان اعدام شد. هویت این زندانی «هاشم امیری، ۴۷ ساله، متاهل و دارای ۳ فرزند» توسط هرانا احراز شده است. به‌گفته یک منبع مطلع «هاشم امیری که از سال ۹۴ در زندان گرگان در حال تحمل حبس بوده، پیش‌تر در یک مرکز خرید در گرگان شاغل بوده و در پی درگیری با مغازه‌دار دیگری با وارد کردن ضربه به وسیله یک میله آهنی به‌سر وی باعث مرگ او شده و نهایتاً به اعدام محکوم شده است.»

همچنین در گزارشی دیگر امروز چهارشنبه ۲۲ خردادماه ۹۸، سه زندانی محکوم به اعدام در زندان رجائی شهر کرج اعدام شدند.

هویت دو تن از این افراد «امیر طهماسبی، با اتهامات افساد فی‌الارض و تجاوز به عنف و صمد بسیده، با اتهام قتل» احراز شده و هویت فرد سوم اعدام شده در این زندان کماکان توسط هرانا در حال بررسی است. اعدام این افراد تا لحظه تنظیم این خبر از سوی رسانه‌های داخل ایران اعلام نشده است.

بر اساس گزارش هرانا، بیش از ۷۲ درصد اعدام‌های صورت گرفته در ایران توسط دولت یا نهاد قضائی اطلاع‌رسانی نمی‌شوند که اصطلاحاً آن را اعدام «مخفیانه» می‌خوانند.

دولت روحانی، حتی شادی در مدارس را ممنوع کرده است. (روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، فهیمه طباطبائی خبرنگار روزنامه همشهری (نشریه شهرداری تهران) نوشت: چگونه دولت روحانی، هر نوع موسیقی در مدارس را ممنوع کرد؟!)

این روزنامه نوشت: وزیر سابق آموزش و پرورش در آخرین روزهایی که سکان هدایت این وزارت خانه را برعهده داشته، بخشنامه محرمانه‌ای را به مدارس ارسال و پخش هرگونه موسیقی را در مدارس ممنوع کرده است. در این بخشنامه تأکید شده مدیری که از این دستور سر باز زند، متخلف خواهد بود. مدیر یکی از مدارس به خبرنگار همشهری گفته مدتی است به دلیل پخش یک آهنگ مجاز از سوی وزارت ارشاد مجوز دارد و در کتابفروشی‌ها به‌فروش می‌رسد، اداره تخلفات آموزش و پرورش وی را احضار و توبیخ کرده است. در این گزارش، با چندنند دیگر از مدیران مدارس نیز صحبت شده و آن‌ها نیز از فشارهایی که وجود دارد پرده برداشته است. گزارش مذکور را که با تیترو «توبیخ شادی در مدارس» منتشر شده است.

در ویدئویی که در یوتیوب منتشر شده است صحنه‌ای دردناک از میدان شوش تهران را مشاهده می‌کنید که معتادان به آن پناه برده‌اند و همچنین تجمع بزرگی از کسانی که برای داد و ستد مواد مخدر در آن محل جمع شده‌اند نشان داده می‌شود. متأسفانه چنان‌که در فیلم مشاهده می‌شود این محل هم به یکی از اماکنی که در آن‌ها فقر بیداد می‌کند و در آن‌ها تهیه مواد مخدر بسیار آسان‌تر از تهیه غذاست، تبدیل شده است.

البته علت اصلی رو آوردن جوانان و مردم به مواد مخدر چیزی جز فقر نیست که می‌توان از زیر مجموعه آن که بیکاری و عدم امنیت شغلی سرکوب و فشارهای اجتماعی بر مردم هستند نام برد که البته هر کدام از آن‌ها در ایران بیداد می‌کند. اما این‌ها علت‌های سطحی هستند که وقتی که به ریشه آن‌ها را دنبال می‌کنیم به شالوده اصلی که همانا سیستم حکومتی تبهکار، مافیائی، فاسد و بر باد دهنده همه دار و ندار و صنعت و کشاورزی و معادن ایران و همچنین نابود کننده تمام مناسبات اجتماعی و کرامت انسانی مردم ایران است، می‌رسیم.

قوانین کار در ایران، کودکان زیر ۱۵ سال را در شمار کودکان کار ردبندی نکرده است. کودکان کار در ایران، بیش از ۵ درصد کارهای ساختمانی را انجام می‌دهند که سخت‌ترین کارهاست.

از عوامل گسترش پدیده کودکان کار در ایران فقر، بدسرپرستی، حاشیه‌نشینی و پائین بودن سطح تحصیلات عنوان شده است؛ اما به عامل اصلی آن، یعنی حکومت اسلامی که بزرگترین کارفرما و سرمایه‌دار کشور نیز محسوب می‌شود، اشاره‌ای نمی‌شود.

حضور کودکان کار با دستمزد پائین در محیط‌های تولیدی برای صاحبان سرمایه دولتی و خصوصی بسیار سودآور است؛ به همین سبب نهادهای دولتی در ایران که رشته امور در دست آن‌هاست، اهمیتی به وضعیت کودکان کار و خیابان‌ها نمی‌دهند.

مدیرعامل یک انجمن حمایت از حقوق کودکان اعلام کرده ۱۴ هزار زباله گرد در پایتخت وجود دارد که یک سوم آن‌ها کودکان هستند.

متأسفانه کم نیستند کودکان کار ایرانی که در محیط‌های کنترل نشده کاری و در حواشی شهرها مورد بدرفتاری جسمی و جنسی قرار می‌گیرند.

پدیده دل‌خراش کودکان کار در ایران نتیجه سیاست‌های اقتصادی حکومت اسلامی و همزاد فقر است. فاصله فاحش حداقل دستمزد با سبد معیشت خانوار و بیکاری سبب می‌شود تا خانواده‌های این کودکان به دلیل عجز و ناتوانی در تأمین معیشت مجبور باشند تا کودکان‌شان را به دل خطر خیابان‌ها بسپارند.

به‌گفته هادی شریعتی، فعال حقوق کودکان مشکلات اقتصادی یک خشونت اقتصادی را به‌صورت سیستماتیک به جامعه تزریق می‌کند. اولین قربانیان این خشونت، کودکان این خانواده‌ها هستند که در شرایط اضطراری و اجباری مجبور به ترک تحصیل و در نهایت جذب در بازار کار می‌شوند.

این فعال حقوق کودک می‌افزاید که آمار ۱۹ میلیونی حاشیه‌نشینان، وجود سه هزار منطقه حاشیه‌نشین در کشور و روند رو به افزایش ورود کودکان به مشاغل همچون زباله‌گردی و کولبری، همه و همه نشان‌دهنده آن است که فقر به شکلی دردناک، در حال گسترش و قربانی گرفتن است. بحران اقتصادی و کاهش سطح معیشتی طبقات فرودست، حتی خردسالان را نیز به بازار کار کشانده است.

زنان در ایران، به طور سیستماتیک سرکوب می‌شوند. قوانین ایران نابرابری زن و مرد در تمامی عرصه‌ها را بیان کرده‌اند، زنان در هیچ مقام بالایی حکومتی، از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری، قوه قضائیه، مقامات لشکری و... قرار نمی‌گیرند. به‌عنوان نمونه، ماده اصل سوم قانون اساسی ایران به شکلی واضح از نابرابری زن و مرد در دادرسی

سخن می‌گوید و حق به مردها داده می‌شود. ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی «نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست»، بعد از ازدواج حق ادامه تحصیل برای زن به محض ازدواج در اختیار شوهر قرار می‌گیرد. ماده ۱۳۳ و ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، حق برتری مرد نسبت به زن را اعلام کرده و می‌گوید: مرد می‌تواند زن را از هر عمل غیرضروری و عملی که تکلیف شرعی او نیست و با استمتاع متعارف او منافات دارد منع نماید، مانند خروج از خانه، ادامه تحصیل، حق کار کردن، حق شاغل شدن و... حق طلاق، کفالت و تصمیم‌گیری همواره به‌عهده مرد بوده و زنان هیچ حقی بر خود ندارند. این بی‌عدالتی و نابرابری را می‌توان در مالکیت، ارث و قصاص و دیگر موارد نیز مشاهده کرد.

سیاست‌های سرکوبگرانه و زن‌ستیز حکومت اسلامی، باعث شده است که خودکشی و یا کشتن زنان روزبه‌روز افزایش یافته و متأسفانه روزانه شاهد خودکشی و یا کشته شدن زنان باشیم.»

روزی نیست که روزنامه‌نگاری، نویسنده‌ای، هنرمندی، فعال سیاسی، فعال کارگری، زنان، دانشجویی، زیست محیطی، حقوق‌دان و غیره مورد تهدید و بازجویی قرار نگیرد.

به این ترتیب، آنچه که در بالا بدان‌ها به‌عنوان نمونه اشاره کردیم زندان‌های حکومت اسلامی ایران، پر از زندانیان سیاسی و اجتماعی است؛ فقر و فلاکت اقتصادی و سانسور و اختناق نیز نفس‌گیر شده است. بنابراین اکثریت مردم ایران از شرايطی و از هر فرصتی در جهت سرنگونی کلیت این حکومت جانی استفاده می‌کنند و هرگز مرعوب تهدیدهای این حکومت ادمکش نمی‌شوند.

در جمع‌بندی می‌توان تأکید کرد، آنچه که به‌گفته کارشناسان نظامی مسلم است حمله به دو نفت‌کش در حال تردد و پیش‌تر حمله به کشتی‌ها لنگرگاه فجیره، یک کار حرفه‌ای و حساب شده از منظر نظامی است و بدون «عامل دولتی» امکان‌پذیر نبودند. به‌همین دلیل و به دلایل متعدد دیگری همچون حضور نیروهای حکومت اسلامی در جنگ داخلی سوریه برای دفاع از حکومت بشار اسد، کمک به حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن، حماس فلسطین، قاچاق مواد مخدر، اسلحه و...، این حکومت در مظان اتهام قرار گرفته است. همچنین تاکنون بارها مقامات نظامی و سیاسی حکومت اسلامی اعلام کرده‌اند که در صورت لزوم تنگه هرمز را خواهند بست و اجازه نخواهند داد کشتی‌های نفت‌کش از این تنگه عبور کنند.

در هر صورت شدت گرفتن تنش فعلی، چه حکومت اسلامی ایران مسبب این حملات باشد و چه نباشد، می‌تواند خواسته یا نخواست به جنگ منتهی گردد که برای ایران و منطقه فاجعه‌بار و خانمانسوز خواهد بود.

همچنین امریکا تا این اواخر، در اعمال سیاست فشار «حداکثری» بر حکومت اسلامی ایران، تنها بود و همپیمانان سنتی غربی این کشور چندان با سیاست ترمپ علیه ایران موافق نبودند. اما ادامه حملات به نفت‌کش‌ها و شواهدی محکم‌پسندی که امریکا بتواند ارائه کند که حکومت اسلامی ایران در آن‌ها دست داشته، طبیعتاً موضع دولت‌های اتحادیه اروپا و غیراروپائی هم به امریکا نزدیک می‌شود و این امر می‌تواند دست امریکا را در سیاست‌های بعدی در رابطه با ایران، مثلاً تشدید تحریم‌ها و یا حتی درگیری نظامی بازتر کند.

به ادعای ترمپ رئیس جمهوری امریکا، تصاویر نشان می‌دهند که ایران عامل انفجار تانکرهای نفتی بوده است. پیش از ترمپ، وزیر امور خارجه امریکا این اتهام را مطرح کرده بود. حکومت اسلامی ایران، آن را رد می‌کند.

دونالد ترمپ امروز جمعه ۱۴ ژوئن، در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «فاکس نیوز» گفت که تنگه هرمز در پی حمله به دو تانکر نفتی بسته نمی‌شود و اگر بسته شود هم برای مدت طولانی مسدود نخواهد ماند.

او بار دیگر تصریح کرد که حکومت اسلامی نخواهد توانست به تسلیحات هسته‌ای دست یابد. او در پاسخ به پرسشی درباره چگونگی «متوقف کردن ایران» گفت: «در آینده خواهیم دید.»

در نهایت اکثریت شهروندان ایران و منطقه، مخالف جنگ هستند. در عین حال کشمکش بین حکومت اسلامی ایران و رقبایش همچون امریکا، اسرائیل، عربستان و...، نفعی برای مردم ایران ندارد و نه دوستی حکومت اسلامی با چین و روسیه و اتحادیه اروپا. آنچه که اکنون بیش از هر زمان دیگری به مشغله روزمره و دامی جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران و در راس همه جنبش کارگری، در حال حائز اهمیت است آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، افزایش دستمزدهای متناسب با تورم و گرانی واقعی، آزادی تشکل و اندیشه و نهایتاً تلاش برای سرنگونی حکومت سالامی و برپائی جامعه‌ای آزاد، برابری، عادلانه بدون سانسور و اختناق، بدون زندان و شکنجه و اعدام، بدون تبعیض و استثمار است!

جمعه بیست و چهارم خرداد [جوزا] ۱۳۹۸ - چهاردهم جون ۲۰۱۹